

کلیفناش

دوفصلنامه علمی- پژوهشی قرآن پژوهی
سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۳۱-۷

بالاصالة و یا بالعرض بودن بار معنایی «أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ» در تفاسیر فریقین

مجید کافی امامی^۱

علی راد^۲

حوریه کافی امامی^۳

چکیده

یکی از مشکلاتی که در تاریخ صدر اسلام با آن مواجه بوده و هستیم، اختلاف بین مواضع شخصیت‌های اسلامی است. اختلاف‌هایی که در برخی موارد، جهان اسلام را دچار جنگ‌های داخلی همچون جنگ جمل کرده است. دلیل جنگ‌ها می‌تواند نوع برداشت امت از عناوین و منصب‌های اسلامی باشد که در پی آن، بازتاب خاص خود را در شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی به همراه داشته است. «أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ» یکی از همین عناوین است که در برداشت معنایی آن، از جمله بالاصالة بودن و یا بالعرض بودن برای «زوجات النبی»، اختلاف بین علما و پیرو آن گسست در امت ایجاد کرده است. با توجه به قرآنی بودن کاربست آن به جاست که در بستر تفاسیر فریقین، موضوع بررسی شود. به نظر می‌رسد کاربرد «أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ» فضیلتی نیست که بتواند به صورت مطلق و بدون قید، همراه‌سازی امت را در پی داشته باشد و پیرو آن نمی‌توان هر نوع خواسته و تصمیم همسران پیامبر اکرم ﷺ را به اجابت رساند.

واژگان کلیدی: أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، زوجات النبی، پیامبر اکرم ﷺ، اهل بیت علیهم السلام.

۱. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ (نویسنده مسئول)؛ Kafi.majid@gmail.com.
۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ ali.rad@ut.ac.ir.
۳. دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام؛ kafihoriye@gmail.com.

مقدمه

عبارت «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» یک بار و آن هم در آیه ششم سوره احزاب برای «زوجات النبی» به کار رفته است. خداوند می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (احزاب، ۶)؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آن‌ها (= مؤمنان) محسوب می‌شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر این‌که بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است.

در آیه یاد شده پیرو به کارگیری عنوان قرآنی برای «زوجات النبی» در اذهان عموم جامعه دینی این‌گونه متبادر می‌شود که «زوجات النبی» به خاطر چنین وجاهت قرآنی از جایگاه رفیعی برخوردارند و گفتار و کردارشان مورد احترام عموم مؤمنان قرار می‌گیرد. لازمه چنین احترامی، تبعیت کردن از ایشان و همراهی با ایشان در هر یک از تصمیمات اجتماعی «زوجات النبی» است؛ زیرا اگر چنین لازم و ملزومی نباشد، صدور چنین عنوانی از خداوند حکیم لغو به نظر می‌رسد. ولی مشکل زمانی پیش می‌آید که هر یک از «زوجات النبی» در تعارض با آیات قرآن و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یا در مقابل ولی خدا قرار گیرند؛ در این صورت تکلیف «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» بودن «زوجات النبی» و حفظ حرمت ایشان که لازمه آن تبعیت از ایشان است، چه می‌شود؟

یکی از مشکلاتی که در تاریخ صدر اسلام شاهد آن بوده و هستیم، تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ مواضع برخی از «زوجات النبی» مانند عایشه، دختر ابی بکر، در مخالفت با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و برخی شخصیت‌های برجسته اسلامی همچون امیرالمؤمنین، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است که ظهور آن در جنگ جمل، ممانعت از حضور پیکر پاک امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ در کنار مضجع مطهر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مخالفت با عثمان، خلیفه سوم،



خودنمایی می‌کند. بر همین اساس امت اسلامی دچار شکاف شده و برخی به قصد جانبداری از عایشه دختر ابی‌بکر در فضای داخلی جهان اسلام، در جنگ‌های خونین از جمله جنگ جمل و یا جریان قتل عثمان شرکت کردند. می‌توان یکی از دلایل انشقاق جامعه اسلامی را برداشت‌های مختلف امت از کاربست‌های قرآنی پیرامون شخصیت‌های مختلف صدر اسلام، مانند اصطلاح قرآنی «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» دانست.

برخی همچون جصاص، کاربرد قرآنی «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را فضیلتی برای نفس «زوجات النبی» می‌دانند. جصاص معتقد است یکی از وجوه به کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» در قرآن، وجوب اجلال و تعظیم «زوجات النبی» است (جصاص، ۱۴۱۵: ۴۶۵/۳). ابن جریر طبری از قول قتاده نقل می‌کند که عبارت «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» برای تعظیم حق «زوجات النبی» است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۶/۱۹). زمخشری از کاربردهای «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»، وجوب تعظیم و احترام «زوجات النبی» را برداشت می‌کند (زمخشری، ۱۴۱۶: ۵۲۳/۳). ابن جوزی معنای کاربرد «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را وجوب اجلال و تعظیم «زوجات النبی» بیان می‌کند (بغدادی ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۸/۳). قرطبی کاربرد واژه «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را برای «زوجات النبی» شرافتی از ناحیه خداوند می‌داند و معنای چنین کاربردی را وجوب تعظیم و میرا دانستن و اجلال ایشان بیان می‌کند (قرطبی، بی تا: ۱۲۳/۱۴). گویا تصور ایشان از به کارگیری عنوان قرآنی «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»، بالاصالة بودن آن است؛ یعنی بر این باورند که شخصیت والای ایشان بدون توجه به «زوجة النبی» بودن، ایشان را مستحق چنین لقبی از طرف خداوند کرده است و گویا جایگاه والایشان مستقل از پیامبر اکرم ﷺ است. چنین رویکردی اقتضائاتی دارد؛ مانند این که در مقابل تصمیمات هر یک از «زوجات النبی» که متعارض با کلام و نیات پیامبر اکرم ﷺ است، سکوت اختیار شود و به خصوص بعد از حیات پیامبر اکرم ﷺ می‌توان از چنین تصمیماتی حمایت کرد.

برخی دیگر برخلاف آنان، همچون فیض کاشانی، عنوان قرآنی «أم المؤمنین» را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که بار معنایی آن که تعظیم و تکریم «زوجات النبی» است و لازمه بار معنایی آن، پیروی و همراهی ایشان در تصمیمات اجتماعی است را مشروط و منوط به تطابق با دستورات شریعت می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۱۴/۶). با این نگاه بار معنایی عنوان قرآنی «أم المؤمنین» برای «زوجات النبی» اصالت خود را از دست داده بلکه بالعرض بوده و تعظیم و اکرام ایشان وابسته به همراهی با کلام وحی و منویات شریعت نبوی است.

وی بر این باور است چنین ویژگی‌ای نه به خاطر فضیلت ذاتی «زوجات النبی» بلکه به خاطر مقام و جایگاه والای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. از این رو ابن‌العربی دلیل تمامی جریان کاربرد «أم المؤمنین» را تکریم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و محافظت از قلب ایشان در مقابل آزار دیگران می‌داند (ابن‌العربی، ۱۴۲۴: ۳/۵۴۱). حلی سیوری حرمت ابدی نکاح با «زوجات النبی» را بی ارتباط با «أم المؤمنین» می‌داند و آن را از دیگر ویژگی‌های اختصاصی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی می‌کند (حلی سیوری، ۱۴۱۵: ۲/۲۴۰). بر اساس چنین دیدگاهی هر بانویی که همسر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، مادر امت محسوب شده و تا زمانی که در دوران حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همسر ایشان است و از ایشان طلاق نگیرد، مادر امت باقی می‌ماند. به بیان دیگر، هر یک از «زوجات النبی» بنفسه بخواهد دارای عنوان مستقل و یا فضیلت اختصاصی قدسی و آسمانی شود، نیازمند دلیل آسمانی دیگری است و از عنوان «أم المؤمنین» برای فضیلت نفس هر یک از «زوجات النبی» بدون همسری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دلیلی به وجود نمی‌آورد.

گرچه عدم همراهی با کلام و نیت‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کسی از «زوجات النبی» را از «أم المؤمنین» بودن خارج نمی‌کند و قطعاً مورد احترام همه مسلمانان باقی می‌ماند؛ ولی موضوع بحث جایی است که آیا می‌شود با چنین شخصی که در مخالفت با خدا و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عداوت ایشان با اشخاص مورد تأیید و سفارش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده‌اند،

همراهی کرد یا خیر؟ کاری که در موارد متعدد مانند جنگ جمل اتفاق افتاد. هر دو طرف جنگ جمل، اعم از این که سربازان عایشه در تبعیت از فرمان او «أُمّ المؤمنین» را تعظیم کردند و در طرف مقابل جنگ هم امیر المؤمنین، امام علی علیه السلام، در عدم قصاص او پس از اتمام جنگ و تکریم او در فرستادن عایشه به مدینه با بیست زن به ظاهر مرد جنگجو، عمامه به سر و شمشیر به همراه (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/۳۷۰)، حرمت «أُمّ المؤمنین» بودن عایشه را نگه داشتند. ولی کدام یک از طرفین جمل، اعم از اجابت کنندگان به ندای عایشه، دختر ابی بکر و کسانی که در مقابل او ایستادند، مسیر درستی را طی کردند؟ به بیان دیگر آیا تعظیم «زوجات النبی» به حد نفسه، اجابت خواسته‌های ایشان به بیان دیگر اطاعت را به همراه می‌آورد؟ به نظر می‌رسد بحث به نوع نگاه در فضیلت بلاصالة بودن یا همان ذاتی بودن و یا بالعرض بودن افتخار قرآنی «أُمّ المؤمنین» برمی‌گردد. چنین رویکردی در نوشتار حاضر با توجه به بی‌بدیل بودن زاویه دید، خود به موضوع بحث و اصالت یابی و یا عارضی بودن عنوان «أُمّ المؤمنین» به پاسخ سؤال‌های خود مانند قضاوت عملکرد عایشه در جنگ جمل، کمک شایانی می‌کند.

بنابراین ضروری است در ابتدا برای درک بهتر بار معنایی «أُمّ المؤمنین» به شأن نزول و چرایی نزول آیه پرداخته شود و در ادامه، نگاه علما در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به قرآنی بودن عنوان اصطلاح «أُمّ المؤمنین»، مناسب است در بین تفاسیر مختلف در فریقین با دو رویکرد؛ اول، معنا و از طرف دیگر هدف از کاربرد آن مورد بررسی قرار گیرد. گرچه نیاز است ما بقی حوزه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته شود که مجال دیگری را می‌طلبد. در نوشتار حاضر از طریق کتابخانه مدرسه فقهات و سایت‌های مرتبط با معاجم و تفاسیر در بین بیش از ۳۵۰ کتاب تماماً تفسیری و یا بخشی تفسیری در فریقین، معتبر و مورد توجه در تمامی قرون تفحص لازم صورت گرفته است و مواردی که پیرامون موضوع نوشتار حاضر سخنی را مطرح کرده‌اند، به آنان استناد شده است.

شان نزول آیه ششم سوره احزاب

برای حصول قضاوت صحیح پیامون این که بار معنایی «أم المؤمنین» که آیا در تکریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است یا تکریم زوجات النبی، نیازمند است به حوادث پیامون آیه و شان نزول آیه توجه شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان غزوه تبوک و زمان نزول آیه ششم سوره احزاب، از شرایط خوب همراه سازی جامعه برخوردار نبود و از چند جبهه داخلی و خارجی مورد تهدید قرار گرفته بود. ایشان بر اساس گزارش های رسیده پیامون تحرکات و تدارک نظامی رومیان در نواحی شام در ماه رجب سال نهم هجری عازم منطقه تاریخی تبوک در شمال غرب سرزمین حجاز شد. روزی یکی از نبطیانی که برای داد و ستد کالا به مدینه آمده بود و همچون سایر نبطیان اخبار راجع به شام را به مسلمانان می رساند، خبر آورد هرقل، فرمانروای رومی، سپاه بزرگی را تجهیز کرده و اعراب قبایل لخم و جذام، غسان و عامله را با خود همراه کرده است تا آنجا که پیش قراولان سپاه در ناحیه بلقاء در شمال تبوک به سر می برند و فرمانروای رومی خود نیز به حمص آمده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱/۳۶۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای پیوستن مردم به لشکر اسلام، فراخوان عمومی داد؛ در شرایطی که هوا به شدت گرم بود و تبوک در منطقه ای بسیار دور قرار داشت و علاوه بر آن شرایط مالی و معیشتی برخی از اصحاب مناسب نبود، برخی صحابه به خصوص منافقان مدینه عذر آوردند و با پیوستن به لشکر اسلام که به آن جیش العسرة می گفتند، همراهی نکردند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۰۱/۳). با این حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ثنیه الوداع در اطراف مدینه اردو زد و با سپاهی نزدیک به ۳۰ هزار سرباز و ۱۰ هزار اسب به سمت مرزهای سرزمین روم حرکت کرد (هاشمی، ۱۴۱۰: ۲/۱۲۵).

از گزارشات تاریخی پیامون وضعیت کارشکنی برخی مسلمانان به خصوص منافقان (طبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۳)، می توان نتیجه گرفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام غزوه تبوک فشار زیادی را از ناحیه منافقان و مخالفان تحمل می کرد. با توجه به چنین شرایطی، به نظر می رسد تصمیم گیری برای خروج لشکر برای ایجاد انسجام بیشتر در

جامعه دینی، دفع آثار هجمه مخالفان و منافقان و جلوگیری از سستی بیشتر جامعه ضروری بوده است. امیرالمؤمنین علیه السلام به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای زعامت امور مدینه در شهر باقی می ماند (بخاری، ۱۴۲۲: ۳/۶) ولی با هجمه منافقان مواجه می شود (طبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۳) و به اجبار برای کسب تکلیف به اردوگاه اسلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز برای ایشان حدیث معروف منزلت را بیان می کند و می فرماید: «تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود» (بخاری، ۱۴۲۲: ۳/۶).

گفتنی است در منابع شیعی برای رهبری و امامت بلافصل امام علی علیه السلام بعد از حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به روایت «منزلت» استناد می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حدیث منزلت، هجمه جدید منافقان را دفع می کند ولی منافقان در توطئه و مخالفت کردن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عقب نشینی نمی کنند و در بازگشت از تبوک عده ای خیانت کرده و به جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوء قصد می کنند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۴۵/۱). با تدبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوء قصد دفع می شود ولی منافقان دست بردار نبودند و در جریان مفقود شدن شتر پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را به طعنه و استهزاء گرفتند با این بیان که: کسی که نمی داند شترش کجاست، چگونه می خواهد از عالم غیب راه درست را به ما نشان دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب ایشان می گفت: من از اسرار غیب که به شما خبر می دهم، مواردی را می گویم که خداوند آن را به من گفته باشد. و در نهایت جبرائیل محل شتر را به پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع می دهد و برخی صحابه آن را بر می گردانند (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۳/۱۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمانی که در ماه رمضان همان سال به مدینه بازگشت، تمامی کسانی که از فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر پیوستن به لشکر اسلام عذر آورده بودند، عذر ایشان را می پذیرد و برای ایشان استغفار می کند و فقط سه نفر را تحریم می کند که هیچ مسلمانی با ایشان صحبت و نشست و برخاست نکند. شرایط اجتماعی بسیار بدی برای سه نفر شکل می گیرد (طبری، ۱۳۸۷: ۱۱۱/۳) و در نهایت ایشان هم با ابراز پشیمانی و تقاضای پذیرش

توبه، پس از پنجاه روز توبه ایشان توسط خداوند پذیرفته می شود. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۱۴/۸) خداوند می فرماید:

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ* وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (توبه، ۱۱۹-۱۱۸)؛ همانا

خدا بر پیغمبر و اصحابش از مهاجر و انصار که در ساعت سختی - که نزدیک بود دل های فرقه ای از آن ها (از رنج و تعب در سختی های جنگ تبوک و غیره) بلغزد- پیروی از رسولش کردند باز لطف فرمود و از لغزش هاشان درگذشت، که او درباره رسول و مؤمنان به یقین مشفق و مهربان است (۱۱۸) و بر آن سه نفر (آن سه نفر مرارة بن ربیع و هلال بن امیه و کعب بن مالک بودند که از زحمت جنگ و سختی حال و رنج و تعب و گرما از رفتن به جنگ در تبوک خودداری کردند و بعد در حضور پیغمبر آمدند و عذرخواهی کردند و توبه آنها پذیرفته شد.) که (از جنگ تبوک) باز نهاده شدند (و مردم به دستور پیامبر ﷺ از آنان بریدند) تا آن که زمین با همه پهناوری بر آن ها تنگ شد و بلکه از خود دلتنگ شدند و دانستند که از (غضب) خدا جز به (لطف) او ملجأ و پناهی نیست، پس خدا بر آنها باز لطف فرمود تا توبه کنند، که خداوند بسیار توبه پذیر و مشفق و مهربان است. (۱۱۹)

کلام آخر؛ شأن نزول آیه ششم سوره احزابی که «زوجات النبی» در این آیه، دارای عنوان اسلامی و قرآنی «أم المؤمنین» شدند، در زمان جنگ تبوک بوده است (ابن العربی، ۱۴۲۴: ۵۴۱/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۲۵/۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۲۲/۸؛ مشهدی، ۱۴۲۳: ۳۲۰/۱۰)؛ زمانی که

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فراخوان عمومی برای پیوستن مردم به لشکر اسلام با مخالفت‌ها و توطئه‌های زیادی مواجه شده است. بنابراین می‌توان مدعی شد که آیه یادشده با تمام اجزایش همچون عنوان «أم المؤمنین» بودن «زوجات النبی»، برای تقویت جایگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مقابل مخالفان ایشان بوده است.

نگاه تفاسیر فریقین پیرامون اصطلاح «أم المؤمنین»

برای شناخت کامل تر معنای واژه «أم المؤمنین» نیازمند است به نگاه تفسیری مفسران فریقین مراجعه شود. واژه «أم المؤمنین» در آیه ششم سوره احزاب در ۴۱ کتاب قرآنی، اعم از ۱۷ کتاب شیعی و ۲۴ کتاب اهل تسنن، از قرار ذیل به ترتیب سال وفات نویسنده نزدیکی ایشان به زمان حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. علی بن ابراهیم قمی شیعی (م ۳۰۷ق)، ضمن اشاره به قرائت (و هو أب لهم و أزواجه امهاتهم) همه مؤمنان را فرزندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند و علاوه بر آن بیان می‌کند آیه ششم سوره احزاب دلیل نزول آیه ۵۳ سوره احزاب پیرامون حرمت نکاح است (قمی، بی تا: ۱۷۵/۲).

۲. فرات کوفی شیعی (م ۳۰۷ق)، ذیل واژه «أم المؤمنین»، از قول ابن عباس، عدم ازدواج با «زوجات النبی» را مطرح می‌کند (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۳۱/۱).

۳. ابن جریر طبری شافعی/ شیعی^۱ (م ۳۱۰ق)، دلیل کاربرد «أم المؤمنین» را برای تعظیم حق همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذکر کرده است و سپس به قرائت دارای عبارت «وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ» اشاره می‌کند (طبری، ۱۴۲۲: ۱۶/۱۹).

۴. جصاص حنفی (م ۳۷۰ق)، دو وجه را برای به‌کارگیری «أم المؤمنین» بیان می‌کند: اول این‌که همچون همه مادران، اجلال و تعظیم ایشان وجوب دارد. و دوم این‌که

۱. ابن جریر طبری در زمان نوشتن کتاب بر مذهب اهل تسنن بوده ولی برخی از محققان بر اساس قرائن و گزارش‌های متعدد، او را در اواخر عمرش شیعه می‌دانند.

عبارت برای تحریم نکاح با مؤمنین با ایشان است. جصاص اضافه می‌کند که مراد از به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»، مادر بودن ایشان در هر موردی نیست. او قرینه خود را عدم احتساب فرزندان ایشان به عنوان خواهران مؤمنین و عدم حرمت نکاح مؤمنین با فرزندان ایشان بیان می‌کند. سپس به عبارت اضافه در قرائت عبد الله «وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ» می‌پردازد. جصاص معتقد است اگر قرائت عبد الله پذیرفته شود، دلیل به‌کارگیری آن را تشابه پیامبر ﷺ به پدر در شفقت و پیگیری مصالح فرزندان معرفی می‌کند (جصاص، ۱۴۱۵: ۴۶۵/۳).

۵. سمرقندی حنفی (م ۳۷۳ق)، قرائت «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» را تأیید کرده و معنای به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را حرمت ازدواج با ایشان تبیین می‌کند (سمرقندی، بی تا: ۴۲/۳).

۶. ثعلبی سنی (م ۴۲۷ق)، برای فهم بهتر مفهوم «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» از تشبیه ایشان به مادران حقیقی در حرمت نکاح استفاده کرده است. ثعلبی ادامه می‌دهد که خداوند تعظیم حق و حرمت ایشان را اراده کرده و رویت ایشان را بر تمامی مردان اجنبی حرام کرده است. همچنین ایشان از اجنبی ارث نمی‌برند و به اجنبی ارث نمی‌دهند. در پایان تصریح می‌کند: پس بدانید که ایشان مادران امت از جهت حرمت و تحریم نکاح ایشان بر مؤمنین هستند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹/۸).

۷. ابوجعفر محمد طوسی شیعی (م ۴۶۰ق)، معنای به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را در تشبیه به مادران حقیقی در حرمت و تحریم عقد ایشان معرفی می‌کند. شیخ طوسی در ادامه به عدم تطبیق سایر احکام مادر به همسران پیامبر می‌پردازد (طوسی، ۱۴۰۱: ۳۱۷/۸).

۸. سمعانی حنفی (م ۴۸۹ق)، به همراه تأیید قرائت ابن مسعود و ابی «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ» معنای کاربرد «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را در حرمت مختص به نگاه و مقاربت با ایشان تبیین می‌کند. در ادامه، اقوال مختلف پیرامون حرمت نکاح و مصداق «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» بودن همسری که در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ از ایشان جدا

شده است را بیان می‌کند. سمعانی «زوجات النبی» را فقط مادر رجال امت می‌داند و به قرینه روایتی از عایشه، زنان را خارج می‌کند. همچنین اشاره می‌کند که برادران و خواهران «زوجات النبی» خال المؤمنین و یا خالة المؤمنین محسوب نمی‌شوند (سمعانی، بی تا: ۳/۳۲۵).

۹. إلیکیا هراسی شافعی (م ۵۰۴ق)، معنای کاربرد «أُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ» را احتمال هر دو دلیل، اجلال و تعظیم و دلیل حرمت ازدواج ایشان بیان می‌کند و در ادامه به موضوعاتی همچون؛ عدم جاری شدن سایر احکام مادر، عدم شمولیت برادر و خواهران «زوجات النبی»، عدم توریث و عدم محرمیت می‌پردازد (هراسی، ۱۴۰۳: ۴/۳۴۴).

۱۰. بغوی سنی (م ۵۱۶ق)، ضمن بیان قرائت اَبِي ﴿وَأَزْوَاجُهُ وَأُمَّهَاتُهُمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ﴾ معنای به‌کارگیری «أُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ» را تعظیم حق «زوجات النبی» بیان کرده و بنابر تأیید قرآن (آیه ۵۳ سوره احزاب) احکام حرمت نکاح، نگاه و خلوت با ایشان عینیت پیدا می‌کند. ایشان در ادامه به موضوعات عدم تسری عنوان «أُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ» به فرزندان ذکور و اناث، برادر و خواهران «زوجات النبی» و شمولیت عنوان «أُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ» برای مردها و زنان امت اشاره می‌کند (بغوی، ۱۴۲۰: ۳/۶۰۹).

۱۱. زمخشری سنی (م ۵۳۸ق)، ضمن بیان قرائت ابن مسعود ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ﴾ بر اساس قول مجاهد بیان می‌کند که هر پیامبری پدر امت خویش است و علاوه بر آن هر پیامبری پدر دینی مؤمنین است، بنابراین همه مؤمنین برادران یکدیگر محسوب می‌شوند. زمخشری به کارگیری «أُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ» را به مادران واقعی در احکام وجوب تعظیم و احترام و حرمت نکاح (به استناد آیه ۵۳ سوره احزاب) تشبیه کرده و همه مؤمنین را در سایر احکام مادر، به منزله اجنبی معرفی می‌کند. زمخشری قول عایشه پیرامون اختصاص به رجال را به مصداق احکام تحریمی حمل کرده است؛ به بیان دیگر چون که حرمت نکاح فقط شامل مردان می‌شود، چنین بیانی ذکر شده است (زمخشری، ۱۴۱۶: ۳/۵۲۳).

۱۲. ابن العربی حنفی (م ۵۴۳ق)، در قالب چند مسئله بعد از بیان شأن نزول آیه و تبیین معنای ولایت پیامبر اکرم ﷺ، «زوجات النبی» را نازل منزله مادران امت معرفی می کند. از همین رو، فقط برخی از احکام مادر همچون حرمت ازدواج با «زوجات النبی» بعد از حیات پیامبر اکرم ﷺ را شامل ایشان می داند. ابن العربی دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» را تکریم پیامبر اکرم ﷺ و جلوگیری از آزار ایشان تبیین می کند. ایشان حکم حرمت نکاح را مختص دوران بعد از حیات پیامبر ﷺ می داند و اضافه می کند که مخاطب «أم المؤمنین» علاوه بر مردان شامل زنان نیز می شود (ابن العربی، ۱۴۰۸: ۱۵۰۷/۳).

۱۳. ابوعلی طبرسی شیعی (م ۵۴۸ق)، پس از بیان شأن نزول آیه و ارتباط آن با غزوه تبوک، معنای به کارگیری «أم المؤمنین» را در تشبیه به مادران حقیقی، برخوردار بودن «زوجات النبی» از حرمت و تحریم نکاح تبیین می کند. طبرسی در ادامه به تفاوت مادر حقیقی با مادر مومنین می پردازد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۲۲/۸).

۱۴. ابوالفتح رازی شیعی (م ۵۵۲ق)، معنی به کارگیری «أم المؤمنین» را همچون مادران واقعی رعایت حرمت داشت «زوجات النبی» بیان می کند. ایشان سایر اقوال را به صورت قول ضعیف مطرح می کند (رازی، ۱۴۱۸: ۳۴۸/۱۵).

۱۵. ابن جوزی حنبلی (م ۵۹۷ق)، معنی به کارگیری آیه را وجوب اجلال و تعظیم «زوجات النبی» معرفی می کند و بیان می کند که بنابر تأیید شارع مقدس {به استناد آیه ۵۳} نکاح با ایشان حرام است و علاوه بر آن سایر احکام مادر بر ایشان جاری نمی شود (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۴۴۸/۳).

۱۶. ابن شهر آشوب شیعی (م ۵۸۸ق)، آیات ۶ و ۵۳ سوره احزاب را در کنار هم می بیند و سپس از هر دو آیه به صورت جمعی حرمت نکاح با «زوجات النبی» را برداشت می کند (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۱: ۱۹۰/۲).

۱۷. فخرالدین رازی شافعی (م ۶۰۶ق)، دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» را قطع کردن نظر امت از آنچه تعلق به پیامبر اکرم ﷺ است معرفی می کند. ایشان «أم المؤمنین» را تشبیه



به زوجات پدر انسان می‌کند و می‌گوید که «زوجات النبی» نمی‌توانند مادران واقعی و همسران پدر شوند، چراکه امکان تحقق همه احکام آن‌ها وجود ندارد (رازی، ۱۴۲۰: ۱۵۷/۲۵).

۱۸. سید علی بن طاووس حلی شیعی (م ۶۶۴ق)، ضمن قرائت عبد الله و ابی النبیؑ **أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ** دلیل به‌کارگیری واژه «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را تعظیم پیامبر اکرم ﷺ می‌داند و در ادامه به حکم حرمت نکاح «زوجات النبی» همچون مادران واقعی نیز اشاره می‌کند (ابن طاووس، بی تا: ۲۶۷/۱).

۱۹. قرطبی مالکی (م ۶۷۱ق)، به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» برای «زوجات النبی» را شرافتی برای ایشان می‌داند و معنای این افتخار را وجوب تعظیم، مبرادانستن و اجلال همسران پیامبر اکرم ﷺ و حرمت نکاح با ایشان بیان می‌کند. علاوه بر آن بنابر قولی، دلسوزی «زوجات النبی» نسبت به امت را نیز دلیل دیگری برای به‌کارگیری می‌داند. قرطبی در ادامه به مسائلی همچون عدم تسری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» به خواهران و برادران «زوجات النبی»، شمولیت مصداق «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» برای مردان و زنان امت و تأیید قرائت **﴿وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ﴾** می‌پردازد (قرطبی، بی تا: ۱۲۳/۱۴).

۲۰. محمد بن حسن شیبانی شیعی، از علمای قرن هفتم، بیان می‌کند که بنابر تأیید (سایر آیات قرآن مانند استناد به آیه ۵۳ سوره احزاب) همچنان‌که در مادران حقیقی است، آنچه از «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» اراده می‌شود، حرمت نکاح با «زوجات النبی» است (شیبانی، ۱۴۱۹: ۲۱۲/۴).

۲۱. بیضاوی شافعی (م ۶۸۵ق)، در به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» معتقد است نازل منزله ایشان، تحریم نکاح و استحقاق تعظیم است و در سایر موارد، مؤمنین همچون اجنبی هستند (بیضاوی، بی تا: ۳۶۴/۴).

۲۲. نسفی حنفی (م ۷۱۰ق)، به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را در تحریم نکاح «زوجات النبی» و وجوب تعظیم ایشان می‌داند. در ادامه به مواردی همچون اجنبی بودن «زوجات النبی» در سایر احکام مادر مانند ارث اشاره می‌کند (نسفی، بی تا: ۴۲۹/۳).

۲۳. ابن کثیر شافعی (م ۷۷۴ق)، معنای به کارگیری «أم المؤمنین» را حرمت، احترام، اکرام، وقار بخشی و اعظام «زوجات النبی» بیان می کند (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۴۷۶/۳).
۲۴. فاضل مقداد حلی سیوری شیعی (۸۲۶ق)، استناد حرمت نکاح به آیه ششم سوره احزاب را باطل می داند و دلیل حرمت نکاح را آیه ۵۳ سوره احزاب معرفی می کند و این را از دیگر ویژگی های خاص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی می کند (حلی سیوری، ۱۴۱۵: ۲۴۰/۲).
۲۵. بقاعی شافعی (م ۸۸۵ق)، دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» را حرمت، اکرام، تعظیم و احترام «زوجات النبی» بیان می کند و از بین احکام مادران فقط حرمت نکاح را برای همسران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد می داند. بقاعی چنین تفضلی را از ناحیه خداوند و به اعتبار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می داند (بقاعی، بی تا: ۲۹۰/۱۵).
۲۶. ایجی شافعی (م ۹۰۵ق)، ضمن اشاره به قرائت شاذ ﴿وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ﴾ و تأیید اطلاق مؤمنین اعم از رجال و نساء، دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» را وقار بخشی به «زوجات النبی» و بنابر تأیید شارع مقدس (به استناد آیه ۵۳ سوره احزاب)، نکاح با ایشان را حرام می داند (ایجی، بی تا: ۳۳۸/۳).
۲۷. سیوطی شافعی (م ۹۱۱ق)، از قول قتاده، دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» را تعظیم حق «زوجات النبی» و از قول مقاتل، دلیل آن را حرمت بیان کرده و اشاره می کند که ازدواج با «زوجات النبی» در صورت طلاق، در زمان حیات و بعد از حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچون حرمت نکاح با مادر، حرام است. علاوه بر آن قرائت های متعدد مربوط به پدر امت بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز مطرح می کند (سیوطی، بی تا: ۵۶۶/۶).
۲۸. عمادی ابوالسعود اشعری (م ۹۸۲ق)، معنای به کارگیری «أم المؤمنین» را نازل منزله مادران واقعی در تحریم و استحقاق تعظیم ایشان می داند و در سایر موارد ایشان اجنبی محسوب می شوند (عمادی، بی تا: ۹۱۷/۷).
۲۹. ملافتح الله کاشانی شیعی (م ۹۸۸ق)، دلیل به کارگیری واژه «أم المؤمنین» را همچون پدر بودن هر پیامبر برای امت خود، نازل منزله مادران واقعی استحقاق تعظیم و تحریم



و نه سایر احکام مادر معرفی می‌کند. ملافتح الله برای حرمت نکاح «زوجات النبی» با سایر مومنین، به آیه ۵۳ سوره احزاب استناد می‌کند (کاشانی، ۱۳۷۷: ۲۵۱/۷).

۳۰. احمد مقدس اردبیلی شیعی (م ۹۹۳ق)، در توضیح پدر امت بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره‌ای به واژه «أم المؤمنین» می‌کند و اطلاق حکم حرمت نکاح مادر بر «زوجات النبی» و عدم اطلاق سایر احکام مادر را مطرح می‌کند (مقدس اردبیلی، بی تا: ۵۲۶/۱).

۳۱. فیض کاشانی شیعی (م ۱۰۹۱ق)، «زوجات النبی» را نازل منزله مادر واقعی مؤمنین در تحریم معرفی می‌کند و مستحق بودن تعظیم ایشان را تا زمانی وارد می‌داند که مطابق با دستور شریعت مقدس باشد. ایشان ضمن تأیید قرائت «وهو أب لهم» از پدر امت بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دفاع می‌کند؛ به بیان دیگر با چنین رویکردی می‌توان نتیجه گرفت که فیض کاشانی علاوه بر تعظیم «زوجات النبی»، تعظیم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» می‌شناسد و ایشان تعظیم «زوجات النبی» را تابع تعظیم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۱۴/۶).

۳۲. سید هاشم بحرانی شیعی (م ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ق)، ضمن بیان قرائت «وهو أب لهم وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» همه مومنین را فرزندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی می‌کند و واژه‌های «أم المؤمنین» و «أَبٌ لَهُمْ» را دلیلی بر ولایت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر مومنین در آیه «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» و در ادامه راه آن، ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بر مومنین در روایت غدیر خم می‌داند. به بیان دیگر به نظر می‌رسد که بحرانی معتقد است که دلیل به کارگیری «أم المؤمنین»، تعظیم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴۱۶/۴).

۳۳. عروسی حویزی شیعی (۱۱۱۲ق)، شان نزول آیه را جنگ تبوک ذکر می‌کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در واقعه غزوه تبوک از امت برای حرکت و شرکت در جنگ دعوت کرد که بسیاری بهانه اذن از پدران و مادرانشان را مطرح کردند و در این هنگام، آیه ششم سوره احزاب نازل شد. ایشان اشاره‌ای به روایت (انا و علی أبوا هذه الامة) دارد و قرائت «أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ» را نیز بیان می‌کند و در ادامه، نامگذاری (أم) و (أب) برای

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و «زوجات النبی» را قرار دادن مومنین به عنوان فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معنا می‌کند. او همچنین دلیل نامگذاری را تامین نیاز مردم به ولایت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی می‌کند؛ ولایتی که مردم را در مقابل تهدیدات جانی و فقر سرپرستی و صیانت می‌کند. به بیان دیگر می‌توان گفت که عروسی، دلیل به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را جایگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تعظیم ایشان می‌داند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۲۳۷).

۳۴. محمد قمی مشهدی شیعی (م ۱۱۲۵ق)، پس از اشاره به شأن نزول آیه در جنگ تبوک و قرائت‌های ابی و ابن مسعود و ابن عباس «النبی اولى بالمؤمنین من انفسهم و أزواجه أمهاتهم هو أب لهم» و ذکر روایت (أنا و علی ابوا هذه الأمة)، «أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» را به منزلت «زوجات النبی» در حرمت و تعظیم، معنا می‌کند. ایشان پس از اشاره به واقعه غدیر خم، دلیل ایمان آوردن عامه قوم یهود به اسلام را ولایت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و محتوای آیه ششم سوره احزاب بیان می‌کند؛ چرا که آن‌ها نفس‌ها و خانواده‌هایشان را در امنیت دیدند. نویسنده در ادامه به فضایل اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌پردازد (مشهدی، ۱۴۲۳: ۱۰/۳۲۰).

۳۵. آلوسی حنفی (م ۱۲۷۰ق)، ضمن اشاره‌ای به شان نزول آیه در جنگ تبوک، دلیل به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را نازل منزله مادران واقعی، تحریم نکاح و استحقاق تعظیم «زوجات النبی» می‌داند که سایر احکام مادر اعم از، نگاه، خلوت، ارث و مانند آن را شامل نمی‌شود و همچون اجنبی هستند. آلوسی در ادامه به عدم تسری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» به برادران و خواهران «زوجات النبی» و مشمولیت مردان و زنان در مخاطبین «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» و به مصادیق «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» می‌پردازد. در پایان ایشان قرائت ابوهام را نیز مطرح می‌کند (آلوسی، بی تا: ۱۵۱/۲۱).

۳۶. قاسمی شافعی (م ۱۳۳۲ق)، معنای به‌کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» را وجوب تعظیم و احترام و تحریم نکاح «زوجات النبی» معرفی می‌کند و در سایر احکام مادر، ایشان را همچون اجنبی می‌داند. او در ادامه از قول ابن کثیر به عدم تسری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» به

خواهران و برادران همسران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می پردازد و در ضمن به قرائت «ابوهم» نیز اشاره می کند (قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۸).

۳۷. ابن عاشور تونسلی مالکی (م ۱۳۹۳ق)، پیرامون به کارگیری «أم المؤمنین» می گوید که حقوق «زوجات النبی» به حقوق النبی عطف شده است (ابن عاشور، ۱۴۰۴: ۲۶۸/۲۱).

۳۸. شنقیطی مالکی (م ۱۳۹۴ق)، دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» را از قول ابن کثیر، حرمت، احترام، توقیر، اکرام و اعظام ایشان مطرح کرده است. او ادامه می دهد که خلوت با ایشان جایز نیست و حکم تحریم به دختران و خواهران ایشان تسری پیدا نمی کند و برای اثبات نگاه خود به آیات قرآن استدلال می کند (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۲۳۲/۶).

۳۹. محمد جواد مغنیه شیعی (م ۱۴۰۰ق)، معنای «أم المؤمنین» را در احترام، مبرا دانستن و تحریم ازدواج «زوجات النبی» خلاصه می کند (مغنیه، ۱۴۲۵: ۵۴۹/۱).

۴۰. طباطبایی شیعی (م ۱۴۰۲ق)، به کارگیری «أم المؤمنین» را جعل تشریحی می داند و معنی جعل را نازل منزله مادران واقعی، وجوب تعظیم و حرمت نکاح معرفی می کند و ادامه می دهد که در آیه ۵۳ سوره احزاب به حرمت نکاح تصریح می شود. ایشان چنین تنزیلی را در بعض آثار مادر بودن جاری می داند و آثار دیگری همچون توارث، نظر به صورت، حرمت نکاح با دختران ایشان، ایجاد عناوین مادر بزرگ، پدر بزرگ، دایی و خاله را خارج می کند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۸۳/۱۶).

۴۱. جزائری مالکی (م ۱۴۳۲ق)، کاربرد به کارگیری «أم المؤمنین» را حرمت نکاح مطرح می کند. (جزائری، ۱۴۲۴: ۲۴۳/۴)

تحلیل دیدگاه‌های مختلف:

۴۱ کتاب پیرامون دلیل به کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»				
اسامی	تعداد منابع			عنوان دلیل
	کل	سنی	شیعی	
	۴۱	۲۴	۱۷	
ابن جریر طبری، جصاص، ثعلبی، طوسی، سمعانی، إلیکیا هراسی، بغوی، زمخشری، ابوعلی طبرسی، ابوالفتح رازی، ابن جوزی، قرطبی، بیضاوی، نسفی، ابن کثیر، بقاعی، ایچی، سیوطی، ابوالسعود، فتح الله کاشانی، فیض کاشانی، قمی مشهدی، آلوسی، قاسمی، ابن عاشور، شنقیتی، مغنیه، طباطبایی.	۲۸	۱۹	۹	تعظیم «زوجات النبی»
بقاعی، ابن العربی، فخرالدین رازی، سید بن طاووس، فیض کاشانی، سید هاشم بحرانی، عروسی، قمی مشهدی، ابن عاشور.	۹	۴	۵	تعظیم پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>
بقاعی، فیض کاشانی، قمی مشهدی، ابن عاشور.	۴	۲	۲	تعظیم پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> به همراه تعظیم زوجات ایشان
ابن العربی، فخرالدین رازی، سید بن طاووس، سید هاشم بحرانی، عروسی.	۵	۲	۳	اکتفا به تعظیم پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>
ابن جریر طبری، ابوالفتح رازی، ابن جوزی، ابن کثیر، ایچی، سیوطی، قمی مشهدی، ابن عاشور.	۸	۵	۳	اکتفا به تعظیم «زوجات النبی»
جصاص، ثعلبی، طوسی، سمعانی، إلیکیا هراسی، بغوی، زمخشری، ابوعلی طبرسی، قرطبی، بیضاوی، نسفی، بقاعی، ابوالسعود، فتح الله کاشانی، فیض کاشانی، آلوسی، قاسمی، شنقیتی، مغنیه، طباطبایی.	۲۰	۱۴	۶	حرمت نکاح به همراه تعظیم زوجات النبی
علی بن ابراهیم، فرات کوفی، سمرقندی، ابن العربی، ابن شهرآشوب، سید بن طاووس، مقدس اردبیلی، جزائری.	۸	۳	۵	اکتفا به حرمت نکاح
علی بن ابراهیم قمی، بغوی، زمخشری، ابن جوزی، شیبانی، ابن شهرآشوب، ایچی، حلی سیوری، فتح الله کاشانی.	۹	۴	۵	حرمت نکاح مستفاد از خارج از آیه ۶ احزاب است



در بررسی ۴۱ کتاب یادشده پیرامون دلیل به کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» در آیه ۶ سوره احزاب و بر اساس نتایج جدول مذکور، می توان در تحلیل آن نتیجه گرفت که با توجه به سیاق آیه مذکور و عبارت «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» در همان آیه، تمامی منابع با این ادعا که دلیل به کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»، تعظیم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است، مخالفتی ندارند. همچنان که در جدول نمایان است دانشمندانی همچون بقاعی، ابن العربی، فخر الدین رازی، سید بن طاووس، فیض کاشانی، بحرانی، عروسی، قمی مشهدی و ابن عاشور به این ادعا نیز تصریح کرده اند. افزون بر آن، پیرامون منابعی که به تعظیم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این آیه کمتر اشاره شده است و به جای آن بحث حرمت نکاح «زوجات النبی» را مطرح کرده اند، میتوان چنین تحلیل کرد که همه آن ها به بهانه جعل شرعی «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» قصد داشته اند در مقام مقایسه بین احکام مادر با «زوجات النبی» و تطبیق یابی برخی از احکام، حکم تحریم نکاح را بیان کنند که قرینه چنین ادعایی، ورود برخی از این منابع در سایر موضوعات مرتبط همچون نظر کردن، خلوت کردن، ارث و عدم سرایت عنوان به خواهران و برادران «زوجات النبی» به عنوان خاله و دایی مومنین که همگی حاکی از پرداختن آن ها به موضوعات پیرامون «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» با تکیه بر منابع خارج از آیه ۶ سوره احزاب است. به طور قطع می توان گفت پرداختن به چنین مباحث پیرامونی، از عموم آیات دیگر و یا از صراحت آیه ۵۳ سوره احزاب «وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا» مستفاد بوده و به یقین از آیه ۶ سوره احزاب به دست نیامده است. به بیان دیگر اگر آیه ۵۳ سوره احزاب بعدها نازل نمی شد، هیچگاه به کارگیری «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» بر حرمت نکاح «زوجات النبی» از لحاظ قرآنی دلالتی پیدا نمی کرد. از همین روی است که حلی شیوری برداشت حرمت نکاح از آیه ششم سوره احزاب را باطل می داند (حلی شیوری، ۱۴۱۵: ۲/۲۴۰) و علمایی همچون بغوی (بغوی، ۱۴۲۰: ۳/۶۰۹)، زمخشری (زمخشری، ۱۴۱۶: ۳/۵۲۳)، ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۴۸)، ابن شهرآشوب (ابن شهرآشوب، ۱۴۱۱: ۲/۱۹۰) و ملافتح الله کاشانی (کاشانی، ۱۳۷۷: ۷/۲۵۱)

معنای حرمت نکاح در ذیل واژه «أم المؤمنین» را با تکیه بر آیه ۵۳ سوره احزاب بیان کرده‌اند. گرچه لازم به توجه است، در صورتی که دلیل به کارگیری «أم المؤمنین» در قرآن، تحریم نکاح معرفی شود، زمینه بالاصاله بودن چنین عنوان قرآنی را برای «زوجات النبی» فراهم می‌سازد. ممکن است موجب برداشت خطای مؤمنین از بار معنایی آن شود و دچار مشکل مطرح شده در مقدمه نوشتار حاضر شوند. و برای «زوجات النبی» بدون توجه به همسر پیامبر ﷺ بودن، جایگاه قدسی در نظر بگیرند و تطبیق مواضع ایشان با شریعت نبوی و شخصیت‌های مقدس قرآنی همچون اهل بیت علیهم‌السلام را لازم ندانند؛ همچنان که در جنگ جمل و سایر حوادث صدر اسلام چنین خطایی صورت گرفت.

نتیجه‌گیری

در ادامه، نتیجه‌ای که می‌توان از بررسی منابع یاد شده به دست آورد، این است که فحوای همه منابع بر این موضوع اتفاق دارند که کاربرد مادر برای «زوجات النبی» حقیقی نبوده و این از باب مجاز است. و از برخی منابع همچون جصاص، سمرقندی، ثعلبی، طوسی، سمعانی، زمخشری، معارفی اندلسی، طبرسی، ابوالفتح رازی، علی بن طاووس، ابوالسعود عمادی، فیض کاشانی، آلوسی، شنقیطی و طباطبایی نیز می‌توان از آن استفاده کرد که می‌گویند «زوجات النبی» برای مومنین به معنای مادران حقیقی مومنین نیستند بلکه به منزله مادر هستند.

افزون بر آن، چنان که از شأن نزول و سیاق آیه بر می‌آید، آیه در تعظیم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده و به کارگیری عبارت «أم المؤمنین» برای تعظیم ایشان بوده است و امورات وابسته به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همچون زوجات ایشان مورد احترام هستند. به بیان دیگر قرآن کریم به قرینه «و ازواجه» در مقام تبیین مصداق امورات وابسته به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است و همسران ایشان که از مهمترین امورات وابسته به ایشان است، دارای عنوان می‌شوند؛ چراکه قبل و بعد آیه در هیچ سوره‌ای از قرآن کریم، غیر از احکام خاص

زوجات النبی، همچون آیة تطهیر، آیة ذوی القربی، آیة ولایت، آیة اولوا الامر، آیة تبلیغ و آیة صادقین که برای غیر از زوجات النبی هستند آیة دیگری مبنی بر اعطای عنوان اختصاصی به «زوجات النبی» که ایشان را بدون توجه به رابطه وابستگی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأیید کند، ذکر نشده است.

یعنی عنوان «أم المؤمنین» یک عنوان ذاتی نیست بلکه عارضی است؛ یعنی بلاصالة تلقی نشده و هر یک از زوجات بدون توجه به همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودن، مادر امت محسوب نمی شوند. بلکه چون از همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردارند، «أم المؤمنین» خوانده می شوند. پس بدیهی است هر یک از «زوجات النبی» به خاطر همسر بودن، شاخصه تعیین حق و باطل محسوب نمی شوند و برای کسب چنین درجه ای نیازمند ادله ای غیر از «أم المؤمنین» بودن است. از همین روی فیض کاشانی در ذیل آیه با عبارت «وفی استحقاق التعظیم ما دمن علی الطاعة» تأکید می کند که بار معنایی «أم المؤمنین» تا زمانی است که در دایره طاعت و بندگی خداوند باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۱۴/۶).

بنابراین اگر عایشه دختر ابی بکر و یا هر یک از «زوجات النبی» در راستای اهداف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده و یا در تعارض با آن باشد، همچنان که در سوره تحریم به دو نفر از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است و یا به توصیه های قرآنی و نبوی عمل نکرده و بر خلاف آن با اولیای الهی و با حجت خدا در زمین همچون امیر المؤمنین، امام علی علیه السلام، سر ناسازگاری بگذارند، به صورت قطع نمی توان از عملکرد آنان حمایت کرد و در فحوای تعظیم آن اجابت خواسته ها و اطاعت از اوامر ایشان را پذیرفت. یعنی نمی توان از عنوان «أم المؤمنین» احترام ایشان را به همراه بودن با اجابت و یا اطاعت مطلق تسری داد. در حقیقت تسری بدون قید و شرط برای ملزوم «أم المؤمنین» نقض غرض پیش می آید؛ چرا که خداوند متعال از جعل «أم المؤمنین»، تعظیم پیامبر خود را دنبال می کند و به همسری که در تقابل و تنقیص پیامبر خداست با اطلاق تعظیم و احترام مطلق «أم المؤمنین»، تعظیم پیامبرش که غرض خداوند است، نقض می شود

و این کار از خداوند محال است. از این رو گرچه عایشه دختر ابی بکر دارای عنوان زوجة النبی و عنوان «أم المؤمنین» می باشد ولی در طرف باطل جنگ جمل قرار داشت. بنابراین همچون امیر المؤمنین علیه السلام احترام او نگه داشته می شود ولی از او و از تصمیمات باطلش تبعیت و حمایت نمی شود. بر همین اساس نمی توان به قول و فعل کسی که دارای عنوان بالعرض قرآنی باشد ولی در مقابل خداوند و پیامبر او ایستاده است، اعتماد کرد. در همین راستا روایات و احادیث چنین شخصی از وثاقت لازم تنزل پیدا می کند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن جوزی، عبد الرحمن (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، محقق: مهدی عبدالرزاق، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد (۱۴۱۱ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم: دار البیدار.
۳. ابن عاشور تونسلی، محمد طاهر (۱۴۰۴ق)، *التحریر والتنویر تحریر المعنی السدید وتنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید*، تونس: الدار التونسیة.
۴. ابن کثیر قرشی، اسماعیل (۱۴۱۲ق)، *تفسیر ابن کثیر*، محقق: یوسف عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة.
۵. ابن العربی معارفی اندلسی، محمد (۱۴۰۸ق)، *أحكام القرآن*، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجيل.
۶. ابن العربی معارفی اندلسی، محمد (۱۴۲۴ق)، *أحكام القرآن*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین (۱۴۱۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محقق: محمد جعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. ایجی شیرازی شافعی، محمد (بی تا)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، محقق: عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. آلوسی، سید محمود (بی تا)، *تفسیر آلوسی روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثة.
۱۱. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحيح بخاری*، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم و سننه و أيامه، محمد زهير بن ناصر الناصر، دمشق: دار طوق النجاة.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، محقق: عبد الرزاق المهدي، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۳. بقاعی، ابراهیم (بی تا)، *نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور*، قاهره: دارالکتاب الإسلامی.
۱۴. بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *جمل من أنساب الأشراف*، محقق: سهیل زکار و ریاض الزکلی، بیروت: دارالفکر.

۱۵. بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، تفسیر البیضاوی انوار التنزیل و اسرار التاویل، محقق: محمد عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. بیضاوی، عبدالله (بی تا)، تفسیر البیضاوی انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت: دارالفکر.
۱۷. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، تفسیر الثعلبی، محقق: أبی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. جزائری، جابر (۱۴۲۴ق)، أیسر التفاسیر لكلام العلی الكبير، مدینه: مكتبة العلوم والحكم.
۱۹. جصاص حنفی، أحمد (۱۴۱۵ق)، أحكام القرآن، محقق: عبد السلام محمد علی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۰. حلّی سُیوری، فاضل مقداد (۱۴۱۵ق)، كنز العرفان فی فقه القرآن، محقق: محمد باقر بهبودی و محمد باقر شریف زاده، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۱. حلّی، سید بن طاووس (بی تا)، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دار الذخائر.
۲۲. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق)، التفسیر الكبير، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محقق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالكتاب العربی.
۲۴. سمرقندی، ابواللیث (بی تا)، تفسیر السمرقندی، محقق: محمود مطرچی، بیروت: دار الفکر.
۲۵. سمعانی، منصور (بی تا)، تفسیر السمعانی، محقق: مصطفی عبد القادر، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۶. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار الفکر.
۲۷. شنقیطی، محمد أمین (۱۴۱۵ق)، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، بیروت: دار الفکر.
۲۸. شیبانی، محمد (۱۴۱۹ق)، نهج البیان عن كشف معانی القرآن، محقق: حسین درگاهی، قم: الهادی.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محقق: لجنة من

- العلماء، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
۳۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الرسل و الملوک، بیروت: دار التراث.
۳۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق)، تفسیر الطبری جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محقق: عبد الله ترکی، دار هجر.
۳۴. طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۱ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، محقق: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. عروسی حویزی، عبد علی (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۳۶. عمادی، ابوالسعود محمد (بی تا)، تفسیر أبی السعود ارشاد العقل السلیم الی مزایا الكتاب الکریم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. فرات کوفی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات کوفی، محقق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۳۸. فیض کاشانی، ملا محمد محسن (۱۴۱۶ق)، التفسیر الصافی، محقق: سید محسن حسینی أمینی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۹. فیض کاشانی، ملا محمد محسن (۱۴۲۰ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، محقق: محمد حسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۴۰. قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، محقق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۱. قرطبی، محمد (بی تا)، تفسیر القرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (بی تا)، تفسیر القمی، محقق: سید طیب موسوی جزائری، بیروت: دار السرور.
۴۳. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۷۷ق)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: علمی.
۴۴. مسعودی، علی (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، محقق: یوسف اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
۴۵. مشهدی، محمد قمی (۱۴۲۳ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دار الغدير.
۴۶. مغنیة، محمد جواد (۱۴۲۵ق)، التفسیر المبین، قم: دار الکتب الإسلامیة..